

نقدی بر تقابل اتحادیه آفریقا و دولت‌های عضو وی با دیوان کیفری و تأثیر آن بر رویه قضایی بین‌المللی

جواد صالحی*

چکیده

سلب مصونیت از عوامل جنایات بین‌المللی بر اساس مقررات ماده ۲۷ اساسنامه، جلوه‌ای از همکاری دولت‌های عضو با دیوان کیفری است. لیکن این همکاری مختص دولت‌های عضو و در خصوص وضعیت مجرمانه آنهاست. دولت سودان عضو دیوان کیفری نیست. از جاع و وضعیت مجرمانه وی و لزوم همکاری وی با دیوان کیفری نیز ناشی از عضویت وی نیست، بلکه ناشی از قطعنامه شورای امنیت است که ابهاماتی جدی در زمینه تلقی عضویت سودان در اساسنامه و سپس سلب مصونیت از وی بدین طریق دارد. این وضعیت به تقابل اتحادیه آفریقا و دولت‌های عضو آن با دیوان کیفری بین‌المللی منجر شده است که نقد و تأثیر آن بر رویه قضایی بین‌المللی هدف و موضوع این نوشتار است. سؤال پژوهش این است که تأثیر تقابل اتحادیه آفریقا و دولت‌های عضو آن با دیوان کیفری بر رویه قضایی بین‌المللی چیست؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رویه قضایی دیوان کیفری در طول بیش از یک دهه نتوانسته است از دامنه این تقابل بکاهد، بلکه در قبال عدم همکاری دولت‌های عضو اتحادیه آفریقا در دستگیری عمرالبشیر تضعیف هم شده است. این رویکرد بر جایگاه دیوان کیفری به پشتوانه شورای امنیت در وضعیت سودان تأثیر منفی گذاشته که بیش از پیش مشهود است.

کلیدواژگان

اتحادیه آفریقا، دیوان کیفری بین‌المللی، رویه قضایی بین‌المللی، سودان، شورای امنیت.

مقدمه

شالوده دیوان کیفری بین‌المللی (زین‌پس؛ دیوان یا دیوان کیفری) بر همکاری دولت‌های عضو وی قرار داده شده است. دیوان کیفری با فقدان برخورداری از نیروی پلیس بین‌المللی برای دستگیری عوامل جنایات بین‌المللی در نهایت به همکاری دولت‌های عضو و دیگر سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط متکی است. بر همین اساس لزوم همکاری دولت‌های عضو در دستگیری و تحویل متهم به ارتکاب جرائم بین‌المللی، جمع‌آوری دلایل مجرمانه و ارسال به دیوان کیفری، تبعیت از ارجاع شورای امنیت یا خودارجاعی موضوعات در صلاحیت دیوان کیفری و مساعدت در اجرای احکام صادره در اساسنامه حتمی است، مشروط بر اینکه بایسته‌های این الزام با دیگر آموزه‌های حقوق بین‌الملل عام نیز همخوانی داشته باشد یا براساس منطق حقوقی به غلبه بر آنها منجر شود.

این وضعیت در مورد اتحادیه آفریقا و کشورهای عضو در این اتحادیه در همکاری با دیوان کیفری در دستگیری عمرالبشیر متفاوت است. اتحادیه آفریقا قائل به مصونیت عمرالبشیر است، زیرا دولت متبوع وی از اعضای اساسنامه نیست. عمرالبشیر براساس مقررات ماده ۲۷ اساسنامه از مصونیت برخوردار نیست، مشروط بر اینکه دولت متبوع وی عضو دیوان کیفری باشد. از این رو رئیس دولت غیرعضو اساسنامه از مصونیت حقوق بین‌الملل عرفی برخوردار است، بدون اینکه سایر شرایط در مورد وی لحاظ شود. قاعده بین‌المللی عرفی مصونیت شخصی رئیس دولت، حلقه ارتباط میان دولت‌های عضو و غیرعضو اساسنامه است (Tladi, 2015: 1035). با وجود این مصونیت شخصی در مقام انکار تحقق عدالت کیفری در حق قربانیان جرائم بین‌المللی نیست.^۱ مصونیت عمرالبشیر براساس قطعنامه شورای امنیت از زمان اعمال صلاحیت دیوان کیفری در وضعیت سودان با ارجاع موضوع از سوی شورای امنیت زائل شده است (Jalloh & Bantekas, 2017: 148). رویکرد دیوان کیفری در صدور حکم جلب عمرالبشیر، رفتار یکسان با دولت غیرعضو سودان همانند دولت عضو اساسنامه به اتکای قطعنامه ۱۵۹۳ شورای امنیت^۲ (زین‌پس؛ قطعنامه) براساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد است. اما مبنای آن عضویت در اساسنامه نیست، بلکه مبنای آن الزامات ناشی از قطعنامه شورای امنیت است.

دولت‌های عضو اتحادیه آفریقا در قبال همکاری با دیوان کیفری مواضع مختلفی اتخاذ کرده‌اند. بر این اساس رویه قضایی دیوان کیفری نیز در مسئله همکاری دولت‌های عضو اتحادیه آفریقا واجد فرازوفرودهایی ناشی از تفاسیر متفاوت یا متعارض است که موضوع این نوشتار قرار

۱. محاکمه و مجازات مقام دولتی مشروط به اتمام مدت تصدی یا خلع وی از قدرت است که در سال ۲۰۱۹ با خلع عمرالبشیر از قدرت و سیر محاکمه وی در محاکم خارطوم محقق شده است. در این دادگاه به اتهام فساد مالی عمرالبشیر رسیدگی می‌شود که با صلاحیت دیوان کیفری به سبب ارتکاب جرائم بین‌المللی وی منافات ندارد.

2. Security Council of United Nation (2005), Resolution No. 1593.

گرفته است که در ادبیات حقوقی ایران مسبوق به سابقه نیست. البته این پژوهش درصدد اثبات یا رفع اتهام از عمرالبشیر یا توجیه رفتار اتحادیه آفریقا یا دولت‌های عضو وی در همکاری یا عدم همکاری با دیوان کیفری نیست، بلکه فقط به مصونیت عمرالبشیر یا الاغای آن در رویه قضایی دیوان کیفری و انتقادهای وارد به آن می‌پردازد و آن را با اصل مصونیت حقوق بین‌الملل عرفی و تقابل یا سازگاری آن با الزامات ناشی از قطعنامه شورای امنیت مقارنه و تطبیق می‌کند. رویکرد پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی با اتکا به رویه قضایی دیوان کیفری است. بررسی موضع‌گیری دیوان کیفری در این حوزه می‌تواند چشم‌اندازی پیش روی مطالعات حقوق بین‌الملل کیفری در تعقیب جرائم بین‌المللی با تکیه بر وضعیت سودان در سایر موارد احتمالی تعقیب وضعیت مجرمانه با اتکای به قطعنامه شورای امنیت در دیوان کیفری باشد. سؤال پژوهش این است که تأثیر تقابل اتحادیه آفریقا و دولت‌های عضو وی با دیوان کیفری بر رویه قضایی بین‌المللی چیست؟ فرض بر این است که رویکرد دیوان کیفری در وضعیت عدم همکاری در دستگیری عمرالبشیر تضعیف شده است. برخی از انتقادهای پیش روی دیوان کیفری وارد است و شعبه مقدماتی دیوان از موضع‌گیری صریح به آن‌ها خودداری می‌کند. از این رو در این نوشتار ابتدا به مسئله قطعنامه شورای امنیت و تأثیر آن در ارتباط اتحادیه آفریقا با دیوان، سپس به وضعیت دولت‌های آفریقایی در خودداری از همکاری با دیوان و در نهایت به نتیجه‌گیری و ارائه دستاوردهای آن می‌پردازیم. دستاوردهای حاصل از مطالعه رویه قضایی دیوان کیفری در وضعیت سودان در این پژوهش با اتکا به قطعنامه شورای امنیت، موضع‌گیری‌های اتحادیه آفریقا و دولت‌های عضو وی در طول بیش از یک دهه چشم‌اندازی را در شناخت بهتر عملکرد دیوان کیفری در تقابل با وضعیت‌های مجرمانه ترسیم می‌کند.

قطعنامه شورای امنیت و تأثیر آن در ارتباط اتحادیه آفریقا با دیوان

شکل‌گیری فرایند بین‌المللی در محاکمه و مجازات مرتکبان جرائم بین‌المللی، تحت قواعد حقوق بین‌المللی کیفری به منظور جلوگیری از نقض حقوق بشر بین‌المللی است (رضوی فرد و فرجی، ۱۳۹۶: ۳۲۰). قطعنامه در راستای تحقق این هدف برای تمام دولت‌های عضو سازمان ملل متحد واجد ارزش ارگامنس است. لیکن شائبه ترجیح مصالح سیاسی به تحقق عدالت کیفری در عملکرد شورای امنیت در ارجاع وضعیت‌های مجرمانه به دیوان کیفری وجود دارد؛ تا حدی که برخی بدین سبب به استمرار رویه عدالت مبتنی بر تبعیض در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری ایراد گرفته‌اند (امینی‌نیا و برزگرزاده، ۱۳۹۷: ۲۴۹). از این رو تصمیم‌گیری شورای امنیت بدون اتکا به تحقیقات مقدماتی کیفری، این تصور را ایجاد می‌کند که دیوان کیفری به ابزاری در دست شورای امنیت برای تأمین خواسته‌های سیاسی اعضای دائم شورای امنیت تبدیل شده است.

برخی معتقدند که اعمال صلاحیت دیوان کیفری بر دولت غیرعضو سودان، و لو با استناد به قطعنامه هیچ مبنای حقوقی ندارد (Bantekas, 2017: 135). الزام دولت سودان به پذیرش تعهدات اساسنامه‌ای که آن را امضا و تصویب نکرده است، به صرف صدور قطعنامه منطقی نیست.^۱ کما اینکه برخی با تمایز میان دادگاه‌های بین‌المللی کیفری به دو دسته دادگاه‌های مبتنی بر معاهده و دادگاه‌های مبتنی بر فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد نتیجه می‌گیرند که دیوان کیفری به دلیل اتکا به معاهده نمی‌تواند مصونیت اعطاشده به موجب مقررات حقوق بین‌الملل عرفی را نسبت به مقامات دولت‌های غیرعضو لغو کند (Yuxiang, 2014: 2)، ولو اینکه مستند خود را قطعنامه قرار داده باشد. اما این استدلال‌ها با ارجاع وضعیت مجرمانه به دیوان کیفری با صدور قطعنامه شورای امنیت منافات ندارند. ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت یکی از طرق اعمال صلاحیت دیوان کیفری است که اتفاقاً برای دولت‌هایی در نظر گرفته شده است که با عدم عضویت در اساسنامه درصدد قرار گرفتن ذیل مصونیت بین‌المللی عرفی‌اند.

نماینده دولت روسیه در اجلاس سال ۲۰۱۷ شورای امنیت در خصوص وضعیت سودان اذعان کرده است که الزام دولت‌ها به همکاری با دیوان کیفری به نحو مصرح در قطعنامه، به معنای نادیده گرفتن معیارهای حقوق بین‌الملل در زمینه مصونیت مقامات دولت‌های غیرعضو دیوان کیفری نیست، ولو اینکه دادستان دیوان کیفری تاکنون برخلاف آن عمل کرده باشد. دولت فرانسه موضع مشابه دارد. بر این اساس دولت فرانسه معتقد است که عدم همکاری دولت‌های عضو با دیوان کیفری در وضعیت دارفور غیرقابل اغماض است. این دولت‌ها باید در مقابل شورای امنیت مکلف به پاسخ باشند. نماینده دولت چین بدون ورود به این مباحث نیز معتقد است که راهکار سیاسی، تنها گزینه عبور از وضعیت دارفور است (Security Council of United Nation, 2017: 12-4). به نظر می‌رسد که رویکرد دولت روسیه بدین معناست که الزامات ناشی از قطعنامه با رعایت معیارهای حقوق بین‌الملل عرفی ملاک عمل است. از این رو اجرای قطعنامه تا حدودی که با سایر اصول حقوق بین‌الملل عرفی همخوانی دارد یا می‌تواند بر آنها اولویت داشته باشد، قابل پذیرش است. رویکرد دولت فرانسه نیز در همین چارچوب قابل تفسیر است؛ بدین معنا که عدم همکاری دولت‌های عضو با رعایت اصول حقوق بین‌الملل عرفی نباید اغماض شود. رویکرد دولت چین مساوی ترجیح کنار گذاشتن قطعنامه در وضعیت سودان و روی آوردن به گزینه‌های سیاسی است. البته دو دولت روسیه و چین از اعضای دیوان کیفری نیستند. از این رو موضع‌گیری آنها بر این اساس قابل تفسیر است، با این تفاوت که به نظر می‌رسد نماینده دولت روسیه متوجه غلبه الزامات قطعنامه شورای امنیت بر آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه مصونیت عمرالبشیر نیست. بدیهی است که ارجاع وضعیت مجرمانه از

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: صالحی، ۱۳۹۲: ۳۳.

سوی شورای امنیت در قالب صدور قطعنامه و از طرق اعمال صلاحیت دیوان کیفری است و گزینه‌ای برای جلوگیری از بی‌کیفرمانی مرتکبان جرائم بین‌المللی در صلاحیت دیوان کیفری است که دولت متبوع آنها در اساسنامه عضو نشده است. لذا فرض ممانعت الزامات حقوق بین‌الملل عرفی بر حفظ مصونیت این افراد در دیوان کیفری با صدور قطعنامه سالب به انتفاء موضوع است.

در این شرایط، میانجیگری در ترسیم نقشه راه پیش روی دولت سودان، گروه‌های مسلح و طرف‌های درگیر در راستای تحقق مذاکرات صلح بدون قیدوشرط از خواسته‌های اتحادیه آفریقا است که می‌تواند به صلح پایدار در وضعیت سودان منجر شود. بر این اساس از دیوان کیفری خواسته شده است تا نگرانی‌های اتحادیه آفریقا و دولت سودان را در تعقیب و محاکمه عمرالبشیر مدنظر قرار دهد، چراکه اتحادیه آفریقا قصد توسعه اتحاد و صلح میان ملت‌ها را دارد و در این زمینه کشورهای عضو را به افزایش دموکراسی ترغیب می‌کند (کدخدایی، سرگران و عبیدی‌نیا، ۱۳۹۶: ۹۰). اگرچه به نظر می‌رسد اتحادیه آفریقا با الزام دولت‌های عضو به عدم همکاری با دیوان کیفری از تعهدات خود براساس ماده (۶) ۸۷ اساسنامه بر همکاری در تحقیقات یا دستگیری عوامل جرائم بین‌المللی با دیوان کیفری شانه خالی می‌کند. لیکن مبنای عملکرد اتحادیه آفریقا بر عدم همکاری دولت‌های عضو با دیوان کیفری در دستگیری و تحویل عمرالبشیر اغلب مبتنی بر مصالح سیاسی است که اصلاً مدنظر دیوان کیفری در صدور احکام دستگیری عمرالبشیر قرار نمی‌گیرد. با وجود این دولت‌های مالای و چاد علی‌رغم دسترسی به عمرالبشیر از دستور اتحادیه آفریقا تبعیت کردند و برای دستگیری عمرالبشیر و تحویل وی به دیوان کیفری هیچ واکنشی نشان ندادند. دولت کنیا با وجود دسترسی نداشتن به عمرالبشیر اقدامات قضایی لازم را برای آمادگی دستگیری وی انجام داد. الزام به همکاری با دیوان کیفری حسب شرایط قطعنامه شورای امنیت منصرف از عضویت یا عدم عضویت در دیوان کیفری است. الزام دولت‌های غیرعضو به همکاری با دیوان کیفری در وضعیت سودان متکی به قطعنامه است^۱، ولو اینکه بایسته‌های حقوق بین‌الملل عرفی مؤید آن نباشد، چراکه قطعنامه شورای امنیت نافذ الزامات حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه مصونیت عمرالبشیر در مقابل دیوان کیفری است. جلب عمرالبشیر از سوی دیوان کیفری بین‌المللی حسب مقررات ماده ۱۳ اساسنامه و اعمال صلاحیت کیفری به صرف ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت، به‌نحو صحیح صادر شده است. الزام دولت‌ها به دستگیری عمرالبشیر هم ناشی از قطعنامه شورای امنیت است، ولو اینکه قطعنامه شورای امنیت مطابق آخرین تفسیر قضات شعبه م‌قدماتی به سلب مصونیت از عمرالبشیر تصریح نداشته باشد. صرف ارجاع وضعیت مجرمانه از سوی شورای

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: صالحی، ۱۳۹۴: ۹۲.

امنیت به دیوان کیفری، حاکی از نفی مصونیت عرفی مرتکبان جرائم بین‌المللی در آن و وضعیت است و نیازی به تصریح در زمینه نفی مصونیت نیست؛ چرا که اذن در شیء، اذن در لوازم آن است. و گرنه اعطای صلاحیت به شورای امنیت در ارجاع وضعیت‌های مجرمانه به دیوان کیفری بی‌معناست، در جایی که مشروط به عضویت آنها در اساسنامه باشد، چرا که این طریق برای تعقیب وضعیت‌هایی پیش‌بینی شده است که در اساسنامه عضویت ندارند.

این وضعیت حاکی از تعارض میان دیوان کیفری و اتحادیه آفریقا در برداشتهای متفاوت از قطعنامه و آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی در قضیه سودان است. اتحادیه آفریقا و دیوان کیفری هر دو دارای تعهد مبارزه با بی‌کیفرمانی هستند؛ با این تفاوت که اتحادیه آفریقا رکن سیاسی است، در حالی که دیوان کیفری بین‌المللی رکن قضایی است. وجه تباین آنها در نحوه مبارزه با بی‌کیفرمانی است. اتحادیه آفریقا از طریق گزینه‌های سیاسی با حفظ صلح و امنیت جهانی و دیوان کیفری با تعقیب عوامل مجرمانه درصدد مبارزه با بی‌کیفرمانی است. اما هدف غایی دیوان کیفری بین‌المللی و اتحادیه آفریقا در برقراری صلح و امنیت منطقه در پرتو الغای مصونیت عوامل جنایات بین‌المللی از طریق سازوکارهای عدالت کیفری مشابه یکدیگر است (Ingravallo, 2018: 186). لیکن تفاوت در موضع‌گیری این دو نهاد سبب شده است تا اتحادیه آفریقا از مخالفان صدور کیفرخواست دیوان کیفری علیه رئیس‌جمهور در حال خدمت سودان باشد، زمانی که مذاکرات صلح در پیش است. موضع‌گیری اتحادیه آفریقا در برابر دیوان کیفری، مسئله دیروز و امروز نیست. بارها از عملکرد سیاسی دیوان کیفری و عدالت‌گزینشی انتقاد شده است.^۱ آغاز تحقیقات کیفری دیوان در سرزمین‌های آفریقایی، به تعبیر اتحادیه آفریقا جلوه‌ای از ظهور استعمارگرایی و تبعیض نژادی مدرن وی تلقی شده است (Labuda, 2014: 299). اتحادیه آفریقا معتقد است که رویکرد دیوان کیفری، سوءاستفاده سیاسی دولت‌های غربی از اصل صلاحیت کیفری جهانی علیه مقامات عالی‌دولت‌های آفریقایی است که به نادیده گرفتن حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌هایی منجر شده است که پرونده آنها پیش روی دیوان کیفری است.

اتحادیه آفریقا از ابتدا، در مخالفت با حکم دستگیری عمرالبشیر اعلام کرد که رویکرد دیوان کیفری بدون توجه به تلاش‌هایی است که برای رسیدن به قطعنامه پایان‌داری‌های دارفور و تحقق صلح پایدار در این منطقه در حال انجام است (African Union, 2008: 2-3). دادستان دیوان کیفری در ارتباط منظم و مستقیم با دولت‌های عضو دیوان کیفری است، لیکن او نتوانسته است از قدرت سیاسی و حقوقی خود به روش‌های مؤثر و عملی برای حل سیاسی درگیری‌های دارفور بهره‌برداری کند (Ainley, 2018: 190). اما دادستان دیوان کیفری، مقام سیاسی نیست. او مکلف به تعقیب وضعیت‌های مجرمانه منصرف از شرایط سیاسی آنها یا

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: رضانی‌قوام‌آبادی، ۱۳۹۷: ۲۶۴.

منطقه آنهاست. با وجود این، از این وضعیت به ناتوانی دیوان کیفری در تعقیب جرائم بین‌المللی تعبیر می‌شود. ناتوانی دیوان کیفری در محاکمه مظنونان به جرائم بین‌المللی به تضعیف جایگاه وی منجر شده است. البته این ناتوانی ناشی از تأثیر و تأثرهای عملکرد شعبه مقدماتی بر حقوق بین‌الملل کیفری و برعکس است. اعمال صلاحیت دیوان کیفری به اتکای قطعنامه و منوط به رعایت سایر شرایط است. و لو اینکه برخی معتقدند که صدور کیفرخواست از سوی دیوان کیفری به پشتوانه شورای امنیت سازمان ملل متحد در تحقق عدالت کیفری در عرصه بین‌المللی بی‌تأثیر است (Grono and Wheeler, 2015: 1234)، یا اینکه دیوان کیفری ملزم به رعایت تصمیمات شورای امنیت نیست (موسوی، حکمت و محمدی، ۱۳۹۷: ۲۵۲). البته اگر این استدلال‌ها از قوت مبنایی برخوردار باشد، چه بسا که می‌تواند تکیه‌گاهی برای دولت‌های آفریقایی در عدم همکاری با دیوان کیفری نیز قرار گیرد. اما این قوت استدلال مشهود نیست.

وضعیت دولت‌های آفریقایی در خودداری از همکاری با دیوان

دولت‌های آفریقایی از عملکرد دیوان کیفری در تحقق عدالت کیفری بین‌المللی تقدیر می‌کنند، لیکن زمانی که به همکاری آنها نیاز است، به دلیل عضویت در اتحادیه آفریقا و تبعیت از سیاست‌های وی از ایفای تعهدات خویش نسبت به دیوان کیفری خودداری می‌کنند. این در حالی است که بیش از دوسوم دولت‌های آفریقایی عضویت در دیوان کیفری را پذیرفته‌اند. دولت سنگال اولین دولت آفریقایی است که در سال ۱۹۹۹ اساسنامه را تصویب کرده است. دولت‌هایی مانند آفریقای جنوبی، اوگاندا، سنگال، کنیا، موریتوس و کوموروس قوانین کیفری جدید داخلی خود را مطابق با مقررات اساسنامه تصویب کرده‌اند. برخی از آنها مانند اوگاندا، جمهوری دموکراتیک کنگو و جمهوری آفریقای مرکزی وضعیت جنایات بین‌المللی در سطح داخلی را به دیوان کیفری ارجاع داده‌اند. دولت مالی از دادستان دیوان کیفری آغاز تحقیقات در زمینه جرائم رخ داده در طول جنگ‌های داخلی را تقاضا کرده است. در این شرایط، وضعیت دولت‌های سودان و لیبی از سوی شورای امنیت در راستای تحقق صلح و امنیت بین‌المللی به دیوان کیفری ارجاع شده است. وضعیت دولت‌های کنیا و ساحل عاج به تشخیص دادستان به دیوان کیفری ارجاع شده و دولت‌های متبوع هم با دادستان همکاری کرده‌اند.

شناسایی رسمی مصونیت عوامل جنایات بین‌المللی از منظر آنها مانع از همکاری با دیوان کیفری در ارجاع وضعیت‌های مجرمانه یا جمع‌آوری و ارسال دلایل مجرمانه در دسترس دولت یا تحویل مجرم خواهد بود. دولت‌های چاد، کنیا، جیبوتی و مالاوی از جمله دولت‌هایی هستند که با چنین فلسفه‌ای و در پوشش اعلامیه اتحادیه آفریقا از همکاری با دیوان کیفری در اعمال

صلاحیت کیفری بر دستگیری و تحویل عمرالبشیر خودداری کرده‌اند. اتحادیه آفریقا پس از تلاش در اقناع شورای امنیت برای تعلیق وضعیت سودان در دیوان کیفری و بی‌توجهی شورای امنیت به درخواست وی^۱، مراتب تأسف خود را از قربانی شدن صلح به بهای عدالت کیفری اعلام کرده است (African Union, 2010: 4). پس از آن اتحادیه آفریقا از دولت‌های عضو خود تقاضا کرده است که با دیوان کیفری در دستگیری و تحویل عمرالبشیر همکاری نکنند. بر همین اساس، دولت‌های زیادی از جمله کنیا، جیبوتی، چاد، مالاوی، نیجریه و جمهوری دموکراتیک کنگو در وضعیت مشابه قرار گرفته‌اند، لیکن هیچ اقدامی انجام نداده‌اند. آنها نه تنها قبل از عزیمت عمرالبشیر به سرزمینشان هیچ اقدامی بر تعامل با دیوان کیفری انجام نداده‌اند، بلکه برخی دولت‌ها از جمله جیبوتی و کنیا پس از بازخواست دیوان کیفری بر ارائه گزارش دلایل عدم همکاری در دستگیری و تحویل عمرالبشیر نیز سکوت کرده و هیچ توضیحی بر عملکرد خود به دیوان کیفری یا مجمع عمومی دولت‌های عضو دیوان کیفری ارائه نکرده‌اند. در این میان دولت‌هایی از جمله جمهوری دموکراتیک کنگو، مالاوی و چاد پس از بازخواست دیوان کیفری بر عدم همکاری در دستگیری و تحویل عمرالبشیر ایفای نقش کرده‌اند. بی‌تردید این وضعیت زمینه تضعیف دیوان کیفری و نفی تحقق عدالت کیفری یا نادیده گرفتن الزامات ناشی از قطعنامه شورای امنیت در تعقیب وضعیت‌های مجرمانه‌ای است که به طریق عادی و عدم عضویت در اساسنامه دیوان کیفری قابل تعقیب نیستند.

الزام ناشی از عضویت در اتحادیه آفریقا مانع از تبعیت از الزامات شورای امنیت و دیوان کیفری نیست. تمام دولت‌ها در سازمان ملل متحد عضو بوده و بدین ترتیب ملزم به اولویت‌بخشی و تبعیت از مصوبات آن نسبت به سایر تعهدات هستند. اما دولت‌های غیرعضو اساسنامه مخاطب آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی و رعایت مصونیت‌های مصرح در آن‌اند. بنابراین دیوان کیفری حتی نمی‌تواند آنها را براساس مقررات ماده ۹۸ اساسنامه ملزم به همکاری کند، چراکه در این صورت تعهدات بین‌المللی عرفی آنها در تعارض با خواسته دیوان کیفری قرار می‌گیرد. در این شرایط استنباط می‌شود که لغو مصونیت فرد تحت تعقیب برای دولت‌های غیرعضو اساسنامه بی‌معناست، مگر اینکه بتوان به اتکای قطعنامه چنین دولت‌هایی را ملزم به همکاری با دیوان کیفری تلقی کرد. لیکن این الزام منوط به رعایت تشریفات است که تکلیف آنها نیز باید در همان قطعنامه روشن می‌شد، حال آنکه چنین تصریحی بر تلقی عضویت سودان در اساسنامه به موجب محتویات قطعنامه وجود ندارد. با وجود این شعبه مقدماتی، این عدم شفافیت قطعنامه را به‌نحوی تفسیر می‌کند که با دیگر استدلال‌های وی همخوانی داشته باشد. از این‌رو شعبه مقدماتی در چنین شرایطی درمی‌یابد که بهترین وضعیت

۱. برای مطالعه بیشتر رک: رضانی قوام‌آبادی و بهمنی، ۱۳۹۶: ۱۴.

این است که صرف لزوم همکاری مصرح در قطعنامه را به معنای عضویت در اساسنامه و تبعیت از مقررات اساسنامه ارزیابی کند. کما اینکه در مورد دولت سودان نیز شعبه مقدماتی به چنین نتیجه‌ای نائل می‌شود، اما این رویکرد اشتباه است.

دولت سودان مکلف به رعایت مقررات ماده ۲۷ اساسنامه است، دیگر دولت‌ها نیز ملزم به تقاضای دستگیری از دولت سودان یا همکاری با وی در دستگیری اتباع وی هستند. بر این اساس دولت سودان مشمول ممنوعیت‌های ماده ۹۸ اساسنامه قرار نمی‌گیرد، تا دیگر دولت‌ها بخواهند به استناد آن از دستگیری وی خودداری کنند، چراکه این رویکرد حسب مقررات ماده ۲۷ اساسنامه مصونیت عمرالبشیر جایگاهی ندارد. بنابراین لزومی به لغو مصونیت در قطعنامه شورای امنیت نیست تا مقررات ماده ۹۸ اساسنامه مانع آن شود. البته ابهام قطعنامه هم مزید بر علت است، چراکه از قطعنامه شورای امنیت در وضعیت سودان همین مقدار هم قابل استنباط نیست. صرف‌نظر از اینکه قطعنامه مجوزی برای تلقی عضویت دولت‌های غیرعضو در سند معاهداتی متکی بر رضایت همه طرف‌های عضو آن هم نیست. بر این اساس کارکرد قطعنامه نفی دیگر مستندات بین‌المللی موجد مصونیت عمرالبشیر فقط نسبت به دولت سودان و دیگر دولت‌های درگیر در وضعیت دارفور سودان است، نه اینکه مستندی برای الزام تمام دولت‌ها به همکاری در دستگیری و تحویل عمرالبشیر باشد، ولو اینکه الزام آنها ناشی از عضویت در اساسنامه و نه قطعنامه شورای امنیت باشد. در این مقام تعهد دولت آفریقای جنوبی به همکاری با دیوان کیفری براساس مقررات اساسنامه در مقابل مصوبات اتحادیه آفریقا بر عدم همکاری با دیوان کیفری قرار می‌گیرد. مصوبات اتحادیه آفریقا درصدد به رسمیت شناختن مصونیت بین‌المللی عمرالبشیر است (African Union, 2013: 4)، درحالی‌که این مصونیت به‌صراحت در قطعنامه هم سلب نشده و همین وضعیت برگ برنده‌ای برای اتحادیه آفریقا شده است. از این‌رو الزام دولت‌های عضو اتحادیه آفریقا به موجب مصوبات وی برای عدم همکاری با دیوان کیفری ناشی از تقابل صلح و امنیت منطقه با دستگیری و محاکمه عمرالبشیر است.^۱

با وجود این، حق برخورداری از مصونیت شخصی مانع از تعهد به همکاری با دیوان کیفری نیست. مقررات در خصوص مصونیت مقامات دولتی و الزام به همکاری با دیوان کیفری دو مسئله جدا از هم هستند که هر یک به‌تنهایی قابل اجرا می‌باشند. هیچ تعارضی میان این دو در وضعیت سودان وجود ندارد. شعبه دوم مقدماتی دیوان کیفری تمام شرایط منتهی به تعیین وضعیت حقوقی قطعنامه را در نظر گرفته است. رکن سیاسی سازمان ملل متحد در مقام سلب مصونیت شخصی مقامات دولت ثالث است، ولو اینکه همین شخص در مقابل دیوان کیفری به‌دلیل عدم عضویت دولت متبوع از این مصونیت برخوردار باشد، در شرایطی که قطعنامه علیه

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک: صالحی، ۱۳۹۶: ۷۵.

وی صادر نمی‌شد. البته چنین صراحتی هم در سلب مصونیت از عمرالبشیر در قطعنامه وجود ندارد که از اشکالات غیرمؤثر در وضعیت ارجاع‌شده به دیوان کیفری است. قدرت شورای امنیت به ارجاع وضعیت‌های مجرمانه به دیوان کیفری به معنای قدرت وی در تغییر مقررات اساسنامه و ایجاد رژیم خاص در زمینه مصونیت دولت غیرعضو نیست، بلکه ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت تنها مکانیزم ایجاد صلاحیت دیوان کیفری بر دولت‌های غیرعضو اساسنامه است^۱ که یکی از نتایج آن نفی مصونیت مرتکب جرائم بین‌المللی نزد دیوان کیفری است. از این رو تصمیم شورای امنیت به ارجاع وضعیت دولت غیرعضو سودان به دیوان کیفری قبل از آن که به معنای به عضویت درآمدن دولت سودان در اساسنامه باشد، به معنای سلب مصونیت و مجوز تعقیب وی در دیوان کیفری است. ارجاع وضعیت دولت غیرعضو اساسنامه از سوی شورای امنیت همانند ارجاع وضعیت از سوی دولت عضو اساسنامه یا شروع به تحقیقات کیفری به تشخیص دادستان دیوان کیفری است، با این تفاوت که ارجاع از سوی دولت‌های عضو یا شروع تحقیقات کیفری از سوی دادستان منوط به عضویت دولت ارجاع‌شده یا مشمول تحقیقات است، اما قطعنامه شورای امنیت از این شرط مستثنا و فائق بر آن است. بنابراین شورای امنیت نمی‌تواند مقررات اساسنامه را تغییر دهد، به همان نحو که دولت ارجاع‌دهنده یا دادستان دیوان کیفری نمی‌توانند به صرف ارجاع یا شروع تحقیقات در مقررات اساسنامه از جمله ماده ۲۷ اساسنامه در زمینه مصونیت مقامات دولتی دخل و تصرف کنند (Schabas, 2016: 452) یا اینکه ارجاع موضوع را مجوزی بر تلقی عضویت دولت غیرعضو ارجاع‌شده در اساسنامه اعلام کنند. با وجود این مبنای اعطای صلاحیت به شورای امنیت در ارجاع وضعیت مجرمانه بر جلوگیری از عدم تعقیب جرائم بین‌المللی ذیل صلاحیت دیوان کیفری است که عضو دیوان کیفری نیستند. از این رو درک سازوکارهای نهفته در این ارجاع از سوی شورای امنیت ذیل قطعنامه اصداری همان نفی مصونیت مرتکب جرم است که در وضعیت ارجاع سودان و عمرالبشیر نیز صادق است.

بنابراین ارجاع وضعیت مجرمانه به دیوان کیفری موجب اعمال صلاحیت دیوان کیفری در آن وضعیت و تحقق مقدمات آن می‌شود. لیکن صرف ارجاع از سوی شورای امنیت نمی‌تواند مبنایی برای صلاحیت دیوان کیفری باشد، اگر الزامات ناشی از آن نتواند در مقابل آموخته‌های حقوق بین‌الملل عرفی مقاومت کند. مقررات ماده ۱۲ اساسنامه حاکی از اعمال صلاحیت در وضعیت‌هایی است که از سوی دولت‌های عضو به دیوان کیفری ارجاع می‌شوند یا این که تحقیقات مقدماتی آنها رأساً از سوی دادستان آغاز می‌شود. در هیچ‌یک از این دو روش، نشانی از کسب صلاحیت در وضعیت مجرمانه نیست. فقط سخن از اعمال صلاحیت است، بدان معنا که

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: زرنشان و میرجعفری، ۱۳۹۷: ۲۱۹.

شرایط پیشینی اعمال صلاحیت دیوان کیفری فراهم است و دیوان کیفری به احرار این صلاحیت و اعمال آن می‌پردازد. یکی از این شرایط، مسئله ارتکاب جرم در قلمرو دولت عضو یا از سوی تبعه دولت عضو دیوان کیفری است. اما صرف ارجاع وضعیت مجرمانه از سوی شورای امنیت براساس مقررات ماده (b) ۱۳ اساسنامه متفاوت از مقررات ماده ۱۲ اساسنامه و بدون توجه به محل وقوع جرم یا عامل جرم است که از اتباع دولت عضو دیوان کیفری باشد یا نباشد، موجد صلاحیت برای دیوان کیفری است، بدان معنا که با دولت سودان به صرف ارجاع و وضعیت از سوی شورای امنیت همانند دولت عضو اساسنامه رفتار می‌شود، ولو اینکه دولت سودان به عضویت اساسنامه درنیامده باشد. نتیجه رفتار یکسان دیوان کیفری با دولت سودان چیزی جز اعمال مقررات اساسنامه از جمله ماده (۱) ۲۷ اساسنامه یعنی سلب مصونیت شخصی عمرالبشیر نیست. از این رو نیازی نیست که مسئله عدم مصونیت عمرالبشیر در قطعنامه شورای امنیت نیز تصریح شده باشد. بر این اساس رویکرد دیوان کیفری به صرف ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت سبب می‌شود که دیگر دولت‌ها نیز سلب مصونیت فرد تحت تعقیب پیش روی دیوان کیفری را به رسمیت بشناسند.

نتیجه‌گیری

دیوان کیفری براساس معاهده مورد وفاق دولت‌های عضو آن و بر پایه مشارکت بین‌المللی آن‌ها در مبارزه با بی‌کیفرمانی جرائم شدید بین‌المللی تأسیس شده است. دیوان کیفری بدون همکاری دولت‌های عضو با موفقیت‌چندانی مواجه نیست. اتحادیه آفریقا به گذشته خود در ترغیب دولت‌های عضو به امضا و تصویب اساسنامه افتخار می‌کند. در عین حال مدعی است که این رویه را همچنان ادامه می‌دهد. با وجود این از عملکرد سیاسی خود بنا به برخی ملاحظات سیاسی منطقه دفاع می‌کند. موضع‌گیری اتحادیه آفریقا در زمینه وضعیت سودان در دیوان کیفری و منع دولت‌های عضو از همکاری در دستگیری و تحویل عمرالبشیر از این نمونه است. تلقی عضویت دولت سودان در نتیجه صدور قطعنامه از چالش‌های پیش روی دیوان کیفری است، چراکه عمرالبشیر از دیدگاه اتحادیه آفریقا دارای مصونیت است، چون دولت سودان عضو اساسنامه نیست. از این رو اعمال ماده ۲۷ اساسنامه بر مقامات دولت‌های غیرعضو دیوان کیفری به نقض دیگر تعهدات دولت‌های عضو در دستگیری و تحویل عمرالبشیر منجر می‌شود. حقوق و تعهدات دولت سودان در این وضعیت مشابه حقوق و تعهدات سایر دولت‌های عضو اساسنامه است، ولو اینکه دولت سودان از اعضای اساسنامه نباشد.

اما قبول یا رد این رویکرد شعبه مقدماتی ناشی از خلأ اساسنامه است که مشخص نکرده است آیا شورای امنیت می‌تواند وضعیت دولتی را ارجاع دهد که عضو اساسنامه نیست؟ اگر

پاسخ مثبت است، آیا ارجاع وضعیت دولت غیرعضو به معنای تلقی عضویت وی در اساسنامه است؟ اگر پاسخ این پرسش نیز مثبت است، نقش اراده دولت‌ها در عضویت و عدم عضویت در اسناد معاهداتی کجاست؟ وضعیت مقررات حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه مصونیت مقامات دولتی در این شرایط چه می‌شود و تعارض آن با مواد ۲۷ و ۹۸ اساسنامه در چنین شرایطی چگونه مرتفع می‌شود؟ چرا که هر دو مواد بخشی از کل اساسنامه هستند و هیچ‌یک بر دیگری رجحان ندارند و تعارض آنها با مقررات حقوق بین‌الملل عرفی تنها برای دولت‌های عضو اساسنامه مرتفع شده است. صرف‌نظر از اینکه مصونیت شخصی عمربالشیر در قطعنامه هم سلب نشده است. درحالی‌که دولت غیرعضو تحت پوشش مقررات حقوق بین‌الملل عرفی قرار گرفته و با تلقی محفوظ باقی ماندن تحت چنین حمایتی از عضویت در دیوان کیفری خودداری کرده است. لیکن درحالی‌که هر یک از این سؤالات در جای خود معتبر و دارای وجهت است، به‌نظر می‌رسد با تصریح ماده (b) ۱۳ اساسنامه که ارجاع وضعیت مجرمانه را به دیوان کیفری یکی از راهکارهای اعمال صلاحیت دیوان کیفری تلقی کرده، در وضعیت سودان سالب به انتفاء موضوع است، چرا که این روش از اعمال صلاحیت کیفری دیوان برای جلوگیری از گریز دولت‌هایی است که عضو دیوان نشده‌اند تا بعدها بتوانند از مزایای قاعده بین‌المللی عرفی در زمینه مصونیت در مقابل محاکم کیفری بین‌المللی برخوردار باشند. منصرف از اینکه پیش‌بینی این اختیار برای شورای امنیت در نهان خود واجد لوازم عرفی آن نیز است. یکی از این لوازم، نفی مصونیت شخص مورد تعقیب در دیوان کیفری براساس قطعنامه شورای امنیت است که دولت متبوع وی از اعضای اساسنامه نیست و مشمول آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی قرار می‌گیرد. کما اینکه اذن در شیء، اذن در لوازم آن است. در غیر این صورت دادن این اختیار به شورای امنیت ناکارآمد خواهد بود.

بر این اساس، شعبه مقدماتی قائل به مرتفع شدن مصونیت عمربالشیر منطبق با آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی است، لیکن مشخص نمی‌کند با چه استدلالی قائل به کار افتادن مقررات حقوق بین‌الملل عرفی در دیوان کیفری است. این وضعیت، مستمسک اتحادیه آفریقا و دولت‌های عضو وی در عدم همکاری با دیوان کیفری شده است. از یک منظر می‌توان قائل به مؤثر نبودن مقررات حقوق بین‌الملل عرفی در دیوان کیفری بود، مشروط بر اینکه دولت متبوع وضعیت مجرمانه ارجاع شده به دیوان کیفری از اعضای اساسنامه باشد. عضویت در اساسنامه مجوزی برای کنار زدن الزامات ناشی از مقررات حقوق بین‌الملل عرفی، برخلاف مقررات ماده ۲۷ اساسنامه است. اگر دولتی به اراده خود با عضویت در اساسنامه خواسته است که مصونیت مقرر در حقوق بین‌الملل عرفی را در مقابل دیوان کیفری از دست بدهد و دولت دیگر با انصراف از به عضویت درآمدن در اساسنامه، نخواسته است چنین مزایایی را در مقابل دیوان کیفری از دست بدهد، آیا می‌توان نتیجه‌گیری دولت عضو را به دولت غیرعضو تحمیل کرد، چرا که

تصمیم‌گیری دولت عضو در انتفای مصونیت مقرر در حقوق بین‌الملل عرفی برای مقامات دولتی خویش است، اگر وضعیت آنها به دیوان کیفری ارجاع شد. اما دولت سودان عضو اساسنامه نیست، ولو اینکه دولت‌های عضو اساسنامه قائل به لغو مصونیت مقرر وی در حقوق بین‌الملل عرفی باشند، چه تأثیری برای دولت سودان دارد که با عدم عضویت در اساسنامه خواسته است این مصونیت را محفوظ نگاه دارد. اما این وضعیت منصرف از ارجاع جرائم بین‌المللی با استناد به قطعنامه شورای امنیت و ایجاد صلاحیت برای دیوان کیفری است. اگر از این منظر به اختیار شورای امنیت برای ارجاع وضعیت مجرمانه دولت‌های غیر عضو اساسنامه برای تحقق هدف بی‌کیفرمانی مصرح در مقدمه اساسنامه دیوان کیفری نگاه شود، این ایراد منتفی است، چرا که دولت‌ها مجازند از عضویت در اساسنامه پرهیز کنند، اما مجاز نیستند مسئولیت کیفری افراد مرتکب جرائم بین‌المللی و دارای مصونیت بین‌المللی عرفی را با این ترفند نادیده بگیرند.

بیشتر دولت‌ها در سازمان ملل متحد عضویت دارند و بدین طریق از الزامات ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت در راستای تحقق ماده (b) ۱۳ اساسنامه و اعمال صلاحیت کیفری دیوان مکلف به تبعیت هستند. ولو اینکه در قطعنامه به لغو مصونیت عمرالبشیر تصریح نشده است، لیکن صرف ارجاع وضعیت مجرمانه به دیوان کیفری در نهان خود، واجد لغو مصونیت عمرالبشیر در آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی است، چراکه بایسته‌های حقوق بین‌الملل عرفی مانع از اعمال صلاحیت کیفری دیوان با صدور قطعنامه شورای امنیت از کار می‌افتند. بر این اساس، الزام دولت سودان به تبعیت از دستورهای شورای امنیت و پذیرفتن صلاحیت دیوان کیفری ارتباطی به عدم عضویت وی در اساسنامه دیوان کیفری ندارد. ولو اینکه مسئله لغو مصونیت عمرالبشیر به صراحت در قطعنامه روشن نیست، لیکن به صرف ارجاع وضعیت مجرمانه از سوی شورای امنیت می‌توان عدم مصونیت عمرالبشیر را مفروض تلقی کرد و با مفروض گرفتن آن سایر استدلال‌ها را متکی به آن برشمرد. در این شرایط عدم همکاری دولت‌های غیر عضو اساسنامه در دستگیری و تحویل عمرالبشیر توجیه‌پذیر نیست. این همان استدلالی است که توقع می‌رفت در آخرین موضع‌گیری شعبه مقدماتی در وضعیت سودان مشاهده شود تا حاکی از تقویت رویه قضایی بین‌المللی باشد، لیکن برخلاف آن عمل شد.

منابع

۱. فارسی

۱. امینی‌نیا، عاطفه؛ برزگرزاده، عبدالحسین (۱۳۹۷)، «تداوم عدالت تبعیض‌آمیز و مناسبات حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی و شورای امنیت»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۵۹، ص ۲۷۴-۲۴۹.

۲. رضوی فرد، بهزاد؛ فرجی، محمد (۱۳۹۶)، «تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی شده (مختلط) کامبوج؛ مبانی و چالش‌ها»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۵۷، ص ۳۳۳-۳۱۳.
۳. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۷)، «توسعه تدریجی عدالت کیفری منطقه‌ای با تأکید بر دیوان آفریقایی دادگستری و حقوق بشر»، *پژوهش حقوق کیفری*، سال ۱۳ ششم، ش ۲۲، ص ۲۸۳-۲۶۱.
۴. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین؛ بهمنی، منصور (۱۳۹۶)، «تحقق عدالت کیفری بین‌المللی در آفریقا؛ موانع و راه‌کارها»، *مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، ش ۱، ص ۲۶-۱.
۵. زرنشان، شهرام؛ میرجعفری، حسین (۱۳۹۷)، «قابلیت تعقیب سران گروه تروریستی داعش در دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۵۹، ص ۲۲۴-۲۰۵.
۶. صالحی، جواد (۱۳۹۲)، «قطعه‌نامه ۱۵۹۳ شورای امنیت در الزام دولت‌ها به همکاری با دیوان کیفری بین‌المللی»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی پلیس*، ش ۱۶، ص ۵۲-۳۳.
۷. ----- (۱۳۹۴)، «مصونیت نداشتن رئیس‌جمهوری سودان در برابر دیوان کیفری بین‌المللی»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ش ۳۰۲، ص ۹۳-۸۴.
۸. ----- (۱۳۹۶)، «چالش‌های دیوان کیفری بین‌المللی در پیگیری پرونده رئیس‌جمهور سودان: از مخالفت اتحادیه آفریقا تا عدم همکاری کشورهای عضو اتحادیه»، *پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۱۹، ش ۵۷، ص ۸۹-۶۹.
۹. کدخدایی، عباسعلی؛ سرگران ناصر؛ عبیدی‌نیا، مریم (۱۳۹۶)، «واکاوی اصل عدم بی‌تفاوتی در رویکرد اتحادیه آفریقایی»، *مطالعات حقوق عمومی*، دوره ۴۷، ش ۱، ص ۹۵-۷۵.
۱۰. موسوی، فضل‌الله؛ حکمت، راضیه؛ محمدی، عقیل (۱۳۹۷)، «نظام همکاری با دیوان بین‌المللی کیفری در چارچوب قطعنامه‌های ارجاعی شورای امنیت»، *مطالعات حقوقی*، دوره ۱۰، ش ۲، ص ۲۶۹-۲۴۱.

۲. انگلیسی

A) Books

11. Jalloh, Ch. Charles & Ilias Bantekas (2017), *The International Criminal Court and Africa*, Oxford University Press.
12. Schabas, A. William (2016), *The International Criminal Court: a Commentary on the Rome Statute*, 2nd, Oxford University Press.
13. Yuxiang, Zhong (2014), *Criminal Immunity of State Officials for Core International Crimes Now and in the Future*, Forum for International Criminal and Humanitarian Law Policy Brief Series, No. 20, Torkel Opsahl Academic EPublisher.

B) Articles

14. Ainley, Kirsten (2018), "Retreat or Retrenchment? An Analysis of the International Criminal Court's Failure to Prosecute Presidents", in; Alison Brysk and Michael Stohl (eds.), *Contracting Human Rights: Crisis, Accountability and Opportunity*, Edward Elgar Publishing, pp. 179-193.
15. Bantekas, Ilias (2017), "Sequencing Peace and Justice in Post-Conflict Africa, The ICC Perspective", in Charles Chernor Jalloh and Ilias Bantekas (eds), *The International Criminal Court and Africa*, Oxford University Press, pp. 91-137.
16. Grono, Nick & Anna de Courcy Wheeler (2015), "The Deterrent Effect of the ICC on the Commission of International Crimes by Government Leaders", in; Carsten Stahn (ed.), *The Law and Practice of the International Criminal Court*, Oxford University Press, pp. 1225-1244.
17. Ingravallo, Ivan (2018), "The Relationship Between the African States and the International Criminal Court: Immunity or Impunity?", in; Giovanni Cellamare and Ivan Ingravallo (eds.); *Peace Maintenance in Africa Open Legal Issues*, pp. 169-190.
18. Labuda, I. Patryk (2014), "The International Criminal Court and Perceptions of Sovereignty, Colonialism and Pan-African Solidarity", *African Yearbook of International Law Online*, Vol. 20, pp. 289-321.
19. Tladi, Dire (2015), "The Duty on South Africa to Arrest and Surrender President Al-Bashir under South African and International Law; A Perspective from International Law", *Journal of International Criminal Justice*, Vol. 13, pp.1027-1047.

C) Cases

20. African Union (2008), "Communiqué of the 142nd Meeting", AU Doc. PSC/MIN/Comm.
21. African Union (2010), Decision on the Progress Report of the Commission on the Implementation of Decision Assembly on the Second Ministerial Meeting on the Rome Statute of the International Criminal Court, No. Assembly/AU/Dec. 296(XV).
22. African Union (2013), Decision Assembly/AU/Dec.482 (XXI) on International Jurisdiction, Justice and the International Criminal Court (ICC), Doc. Assembly/AU/13.
23. Security Council of United Nation (2017), Reports of the Secretary-General on the Sudan and South Sudan', Official Records of the Security Council, UN Doc. S/PV.7963.